

مصادیق جرم در قرآن کریم

قیام الدین میرزاد^۱

۱. ماستری تفسیر و علوم قرآن

چکیده

جرم ارتکاب یا امتناع از فعلی است که شریعت بر حرام بودن آن تصریح نموده است و مجازاتی را بر آن تعیین نموده است. نخستین جنایت وحشتناکی که در جهان رخ داد از طرف قابیل علیه برادرش هابیل بود که به قتل هابیل منجر گردید. بدین گونه جنایت در دودمان آدم همچنان باقی ماند و بی گمان این پدیده شوم نسل اندر نسل انسان ادامه پیدا خواهد کرد. چراکه جرم از طبیعت انسان پدید می آید به لحاظ این که انسان مرکب از بالاترین مظاهر پاکی و پست ترین مظاهر پلیدی است، مظاهر دسته دوم است که مایه ارتکاب جرائم و معاصی می گردد. شیوه درمان این بیماران شناخت و مجازات آن ها است؛ بنابراین خداوند تبارک و تعالی جهت آگاهی بندگان خویش مفهوم جرم را در قالب واژه های مختلف و در افعال گوناگون به کار برده است تا باشد که این پدیده شوم را به شکل هویدا بیان نموده و از شیوع آن جلوگیری نماید.

واژگان کلیدی: جرم، مصادیق، قرآن کریم.

مقدمه

عملکرد هر انسان تابع نگرش او است؛ بنابراین اگر خواسته باشیم رفتار کسی را اصلاح و از ارتکاب هرگونه جرم و گناه جلوگیری کنیم در قدم نخست باید بینش او را نسبت به مسأله مورد نظر اصلاح نماییم. خداوند در قرآن کریم پیام‌های را به انسان‌ها داده است که به اشکال مختلف باعث آگاهی انسان در موارد مختلف می‌شود. از جمله این‌که او را از عاقبت گناه و جرم آگاه نموده و از این طریق خواسته است انسان را از ارتکاب اعمال زشت بر حذر دارد. پرسش اصلی این نوشتار این است که آیا مصادیق جرم در قرآن کریم وجود دارد؟ قرآن کدام عمل انسان‌ها را جرم دانسته است؟

جرم پدیده‌ای است که در تاریخ متمدنی بشر دامن‌گیر جامعه انسانی بوده و در هیچ مقطع تاریخی انسان از گزند آن در امان نبوده است. به همین جهت این پدیده شوم نه تنها در قوانین وضعی بشر مورد توجه قرار گرفته است، بلکه قرآن کریم نیز در مورد مصادیق جرم رهنمودهای به بشر داده شده است. درباره احکام جرم نیز در قرآن توجه جدی صورت گرفته است؛ و همچنین کیفرهایی نیز در نظر گرفته است. قرآن کریم جرم را ذیل واژه‌های مختلف بیان نموده است و هر کدام از بخشی از آثار شوم جرم پرده برمی‌دارد که این بیانگر متنوع و گوناگون بودن جرم است.

۱. مصادیق جرم در قرآن کریم

در قرآن کریم به مصادیق گوناگون جرم اشاره شده است که به برخی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۱. ممانعت از زیارت خانه‌ی خدا

ممانعت از زیارت خانه‌ی خدا از جمله مصداق‌های جرم است. خداوند تبارک و تعالی چنین می‌فرماید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا وَ تَعَاوَنُوْا عَلٰى الْبِرِّ وَ التَّقْوٰی وَ لَا تَعَاوَنُوْا عَلٰى الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ

اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده، ۲). ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانی‌های بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به‌دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانعی ندارد. و خصوصت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است.

خداوند تبارک و تعالی در این آیه خطاب به مسلمانان می‌فرماید اگر جمعی از مشرکان در جریان صلح حدیبیه مانع زیارت شما از خانه خدا شدند، این نباید موجب کینه ورزی شما پس از اسلام آوردن آنان در هنگامی که شما بر آن مسلط هستید، شود و باعث گردد آنان را از انجام مناسک خانه خدا منع و به حقوق آنان و امنیت جانی، مالی و آبرویی ایشان تعدی و تجاوز نمایید. حال که خدا شما را بر آنان مسلط کرده است و بال این جرم بر شما تحمیل نشود.

۲-۱. عناد نسبت به آیات الهی

« وَ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » (انعام، ۵۵)، و اینگونه آیات خود را به روشنی بیان می‌کنیم تا راه و رسم گناهکاران روشن شود. بنابراین، معنای آیه مورد بحث چنین می‌شود که این طور معارف الهی را شرح داده و بعضی را از بعضی جدا و متمایز نموده و ابهامی که عارض بر آن شده بود از بین بردیم تا این که راه مجرمین روشن و رسوایی‌شان برملا گردد و در نتیجه مؤمنین از آن راه دوری نمایند؛ بنابراین مراد از «روش مجرمین» آن طریقه‌ای است که در مقابل آیات ناطق به توحید و معارف حقه‌ای که متعلق به توحید است به‌کار می‌برند و آن طریقه همانا انکار و عناد و اعراض از آیات و کفران نعمت است.

۳-۱. مکر و نیرنگ در برابر دعوت انبیا

قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (انعام، ۱۲۳)، و (نیز) این گونه در هر شهر و آبادی، بزرگان گنهکاری قرار دادیم؛ (افرادی که همه گونه قدرت در اختیارشان گذاردیم؛ اما آنها سوء استفاده کرده، و راه خطا پیش گرفتند؛ و سرانجام کارشان این شد که به مکر (و فریب مردم) پرداختند؛ ولی تنها خودشان را فریب می‌دهند و نمی‌فهمند.

در این آیه خداند تبارک و تعالی با اشاره به وضع سران کفر و فساد آنان را افراد مکار نیرنگ‌باز معرفی کرده است. خداوند کسانی را که تلاش می‌کنند مردم را از راه راست منحرف سازند، به‌عنوان مجرم یاد کرده است.

۴-۱. تکذیب نبوت پیامبر اسلام

«فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» (انعام، ۱۴۷)، اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، رحمت گسترده‌ای دارد؛ اما مجازات او هم از مجرمان دفع شدنی نیست (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است). در این آیه شریفه خداوند ضمن بیان وسعت رحمت خویش کسانی را که به تکذیب رسول اکرم (ص) ادامه می‌دهند تعبیر به محرم نموده و آنان را به مجازات حتمی تهدید می‌کند.

۵-۱. افترا بستن بر خداوند و تکذیب آیات الهی

«إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ» (اعراف، ۴۰)، کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌شود؛ و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، گنهکاران را جزا می‌دهیم.

در حدیثی از امام باقر (ع) چنین می‌خوانیم: اما المؤمنون فترفع اعمالهم و

ارواحهم الى السماء فتفتح لهم ابوابها و اما الكافر فيصعد بعمله و روحه حتى اذا بلغ الى السماء نادى مناد اهبطوا به الى سجين»، اما مؤمنان، اعمال و ارواحشان به سوی آسمانها برده می شود و درهای آسمان به روی آنها گشوده خواهد شد، اما کافر روح و عملش را بالا می برند تا به آسمان برسند در این هنگام کسی صدا می زند آن را به سوی سجين (دوزخ) پائین ببرید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۵۴).

ممکن است منظور از آسمان در این جا معنا ظاهر آن باشد و نیز ممکن است کنایه از مقام قرب خداوند بوده باشد، همانطور که در آیه ۹ سوره فاطر می خوانیم: «اليه يصعد الكلم الطيب و العمل الصالح يرفعه». سخنان پاکیزه به سوی او بالا می روند و عمل صالح ترفیع می دهد. سپس اضافه می کند: آنها وارد بهشت نخواهند شد تا زمانی که شتر از سوراخ سوزن بگذرد (ولایدخلون الجنة حتى يلج الجمل في السم الخياط).

این تعبیر کنایه لطیفی از محال بودن این امر است؛ در واقع برای این که عدم امکان دخول این افراد در بهشت به صورت مسأله حسی درآید این مثال انتخاب شده است. همانطور که هیچ کسی تردید ندارد که ممکن نیست شتر با آن جثه بزرگش از سوراخ باریک سوزن عبور کند، همین طور مسلم بدانند راهی برای ورود افراد بی ایمان متکبر در بهشت مطلقاً وجود ندارد. در پایان آیه برای تأیید و توضیح بیشتر اضافه می کند: این چنین گنهکاران را کیفر می دهیم «و کذلک نجزی المجرمین» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۷۰).

۶-۱. عمل زشت لواط

«إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ وَ مَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَتَطَهَّرُونَ فَأَنْجَيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (اعراف، ۸۱-۸۴)، آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟ شما جمعیت تجاوزکاری هستید! ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود

که گفتند اینها را از شهر و آبادی خود بیرون کنید که اینها افراد متظاهری هستند. (چون کار به اینجا رسید) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم جز همسرش که با بازماندگان (در شهر) بود. و (سپس چنان) بارانی بر آنها فرستادیم (بارانی از سنگ که آنها را نابود ساخت) اکنون بنگر سرانجام کار مجرمان به کجا کشید. در این آیه شریفه خداوند مردان قوم لوط را که جهت عمل زشت‌شان که همجنس بازی بود مجرم خوانده است و از مجازات دنیوی با بارش از سنگ همراه بوده خبر داده است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۴۳).

۷-۱. استهزا پیامبر اسلام

«وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤْنَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةٌ بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ» (توبه، ۶۵-۶۶) منافقان از آن بیم دارند که آیه‌ای بر ضد آنها نازل گردد و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد، بگو: استهزا کنید، خداوند آنچه را از آن بیم دارید آشکار می‌سازد. و اگر از آنها پرسشی (چرا این اعمال خلاف را انجام دادید) می‌گویند ما بازی و شوخی می‌کردیم، بگو آیا خدا، و آیات او، و پیامبرش را مسخره می‌کنید. (بگو) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است، چرا که) شما پس از ایمان آوردن کافر شدید، اگر گروهی از شما را (به خاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد، زیرا آنها مجرم بودند.

۸-۱. شرک ورزیدن به خداوند

«قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا أَ نَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ وَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَنْدَاداً وَ أَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سباء، ۳۲-۳۳)، کافران گفتند: ما هرگز به این قرآن و کتب دیگر که قبل از آن بوده

ایمان نخواهیم آورد، اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و جزا) بازداشت شده‌اند (از وضع آن‌ها تعجب می‌کنی) در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد، مستضعفان به مستکبران می‌گویند: اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم! (اما) مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند: آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آن که به سراغ شما آمد (و آن را به خوبی دریافتید) بلکه شما خود مجرم بودید. مستضعفان به مستکبران می‌گویند و سوسه‌های فریب‌کارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد) هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و شریک‌هایی برای او قرار دهیم آنها هنگامی که عذاب (الهی) را می‌بینند ندامت خود را کتمان می‌کنند (مبادا بیشتر رسوا شوند) و ما غل و زنجیر در گردن کافران می‌نهم آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آن‌ها جزا داده می‌شود؟!

در این آیه می‌خوانیم که مجرمان ندامت خود را پنهان می‌کنند در حالی که در آیات و روایات دیگر آمده که آنان ندامت خود را آشکار می‌کنند. این تفاوت به خاطر آن است که مواقف قیامت متفاوت است اگر چه به گفته راغب در مفردات خود «اسروا الندامه» هم به معنای اظهار ندامت است و هم به معنای مخفی کردن ندامت و لی با توجه به حدیثی از امام صادق ع وارد شده است که مراد همان مخفی کردن ندامت است. امام صادق ع در پاسخ این سؤال که نگاه داشتن ندامت در دل برای چیست؟ فرمود برای آنکه از سرنش دیگران دور بماند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷ ص ۴۴۸). بنابراین، طبق ظاهر آیه جرمی که مورد مخاصمه این دو گروه قرار گرفته است کفر و شرک می‌باشد.

۹-۱. همکاری با حکومت فرعونیان

« قَالَ رَبِّ بِمَا أَتَعَمَّتْ عَلَيَّ فَلَن أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ » (قصص، ۱۷). موسی گفت: پروردگارا به شکرانه نعمتی که به من دادی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود. مراد از مجرمین فرعون و قوم اوست و معنای این جمله عهد و پیمانی است از سوی موسی که دیگر هیچ مجرمی را در جرمش کمک نکند، تا شکر نعمتهایی

را که به وی ارزانی داشته به جا آورده باشد، و مراد از نعمت، با در نظر گرفتن اینکه قیدی به آن نزده، ولایت الهی است. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۶ ص ۲۵). خلاصه این که آیه فوق همکاری با حکومت طاغوت و ستمگر را جرم بیان نموده است.

۱-۱۰. تکذیب انبیاء الهی

در این مورد خداوند چنین می‌فرماید: «أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ» (دخان، ۳۷) آیا آنان بهترند یا قوم «تبع» و کسانی که پیش از آنها بودند. ما آنان را هلاک کردیم، چرا که مجرم بودند.

۱-۱۱. تمسخر مؤمنان

«إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ» (مطففین، ۲۹)، بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند. خنده‌ای تمسخرآمیز و تحقیرکننده، خنده‌ای که از روح طغیان و کبر و غرور و غفلت ناشی می‌شود و همیشه افراد سبکسر و مغرور در برابر مؤمنان با تقوا چنین خنده‌های مستانه داشته‌اند. ضمناً تعبیر به «اجرموا» به جای «کفروا» نشان می‌دهد که افراد کافر و بی‌ایمان را از اعمال گناه‌آلودشان می‌توان شناخت؛ چرا که همیشه کفر سرچشمه جرم و عصیان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۲۸۴).

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی آیات که در آن‌ها مصادیق «جرم» ذکر شده است می‌توان به نتایج ذیل دست یافت.

۱. اصطلاح جرم در قرآن اعم از نقض حق الله و هم حق عبد است. خداوند تبارک و تعالی ممانعت از زیارت خانه خدا، تعدی و تجاوز به زیارت‌کنندگان، اعراض از آیات الهی، کفران نعمت‌های خداوند، تکذیب نمودن آیات الهی، عمل زشت لواط، استهزاء پیامبر اسلام و کفر و شرک‌ورزی به خداوند را جرم شمرده و مرتکبین را تهدید به عذاب نموده است.

۲. معنای جرم مشروط به داشتن مجازات خاص دنیایی نیست؛ از دیدگاه قرآن برخی رفتارها جرم است حتی اگر مجازاتی در این دنیا برای آنها تعرف نشده باشد.

۳. مشتقات واژه جرم در قرآن در معنای گناه کبیره و برزگی است که دارای عقوبت اخروی است به کار رفته است.

منابع

قرآن کریم

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۸) سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ناشر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. قرائتی محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، ناشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، ناشر، دارالکتب الاسلامیه.